

تأثیر حقوق و اخلاق بر رفتار بشری

رزا معماری

استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور مرکز بندرعباس

چکیده

آنچه مسلم است آن است که بدون شک رفتار بشری تحت تأثیر مستقیم حقوق و اخلاق می باشد. حقوق از سویی با اعمال ضمانت اجرا (در صورت زیر پا گذاشتن قواعد حقوقی)، اخلاقیات را متاثر ساخته و از سویی دیگر، اخلاق رابطه متقابلی با حقوق داشته بدین معنا که رفتار زشت و ناپسند، شایسته تقبیح و مذمت بوده و رفتار خوب مستحق تمجید و ستایش می باشد. هدف از نگارش مقاله مزبور، بررسی تأثیر حقوق و اخلاق بر رفتار بشری می باشد که در این راستا به مطالعه ارزش های مختلف بشری که نشأت گرفته از پیوند اخلاق و حقوق می باشند، خواهیم پرداخت. در پژوهش حاضر، ارتباط بین حقوق و اخلاق به عنوان ابزاری جهت کنترل رفتار تبیین گردیده و به نقش مهم استفاده توأمان این دو ابزار و اثربخشی آن در کنترل رفتار اشاره شده است. روش گردآوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه ای بوده و ابزار گردآوری از طریق فیش برداری از منابع موجود اعم از کتاب ها، مقالات مندرج در سایت ها و مجلات معتبر و استفاده از پایگاه های الکترونیکی می باشد.

واژه های کلیدی: رفتار اجتماعی، اخلاق، ضمانت اجرای حقوقی، حقوق.

مقدمه

اخلاق در لغت به معنای سرشت، خوی و طبیعت است و در اصطلاح اندیشمندان، هر گونه صفت انسانی و نفسانی است که موجب پیدایش اعمال خوب و بد شده، چه آن که این رفتار به صورت نفسانی و پایدار و راسخ بوده و چه به صورت ناپایدار و غیر راسخ و چه از روی تأمل و اندیشه صادر شود یا بدون تفکر و تأمل؛ بنابراین می توان گفت چگونگی رفتار مربوط می شود به اعمال انسان اعم از گفتار و یا صفات و ملکات نفسانی (مطهری، ۱۳۷۶).

هم چنین در تعریف اجمالی اخلاق، دکتر ناصر کاتوزیان بیان می دارند؛ اخلاق مجموعه قواعدی است که لازمه نیکوکاری و رسیدن به کمال است، بدین معنا که اخلاق معیار تشخیص اعمال خوب و بد را بیان می دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

در تعریف حقوق نیز می توان گفت، مجموعه قواعد حاکم بر روابط افراد با یکدیگر و هم چنین روابط افراد با حکومت و سایر جوامع می باشد. بنا بر تعریفی دیگر، حقوق به مجموعه اصول و مقررات حاکم بر جامعه است که توسط مقامات حکومتی در قالب قانون، عرف و سیاست ها می باشد که به موجب تصمیمات قضایی قابل اعمال می باشند، وضع گردیده است.

آن چه از تعاریف فوق استنباط می گردد آن است که حقوق و اخلاق دو موضوع متفاوت بوده که دارای معانی متفاوتی می باشند و بدیهی است هر دو دارای ابزارهایی بوده که بریکدیگر تأثیر بسزایی دارند.

در ذیل ضمن بیان ویژگی های هر یک از حقوق و اخلاق به تفاوت های آن ها پرداخته و تأثیر هر یک بر دیگری را مورد مذاقه و بررسی قرار خواهیم داد.

ویژگی های اخلاق

قواعد اخلاقی دارای خصایصی به شرح ذیل می باشند که آن ها را از قواعد حقوقی منفک می نماید:

- ۱- ایجاد قواعد اخلاقی از دیدگاه اجتماعی از آن جهت که از طریق تلقین پذیری و اجتماعی سازی صورت می پذیرد، امری است که در طولانی مدت شکل می گیرد. به عنوان مثال، ترویج قبح عملی چون دروغ گویی، تقلب و کلاهبرداری، فرایند زمانی زیادی را چه بسا از دوران طفولیت طلبیده تا بدین وسیله، قبح و حسن اعمال با وجود افراد عجین گشته و اخلاقیات در آن ها تکامل یابد. این امر حسب مورد توسط والدین، مربیان و رهبران مذهبی صورت می پذیرد. تحقق دستیابی به این اهداف، تلاش جامعه را جهت ترویج اخلاقیات می طلبد (شاول^۱، ۲۰۰۲). در نتیجه قواعد اخلاقی در طول زمان مورد پذیرش افراد قرار گرفته و قواعد پیچیده ای محسوب می گردند، زیرا رعایت قواعد اخلاقی دارای استثنایاتی می باشد که یادگیری آنها از دوران طفولیت امر آسانی به شمار نمی آید؛ به عنوان مثال دروغ گویی می تواند در برخی موارد از دیدگاه عرف عملی قبح آمیز نبوده و جایز به شمار آید. هم چنین قواعد اخلاقی قابلیت انعطاف زیادی نداشته و به آسانی قابل تغییر نمی باشند، زیرا تغییر قواعد اخلاقی مستلزم گذر زمان و تغییر نسل ها می باشد.
- ۲- ضمانت اجراهای اخلاقی دربرگیرنده کلیه افراد اعم از قوی و ضعیف، فقیر و غنی شده و اعمال چنین ضمانت اجراهایی مبتنی بر قضاوت عرف می باشند نه قانون.
- ۴- احتمالی بودن ضمانت اجراهای اخلاقی از ویژگیهایی است که مختص اخلاقیات بوده و مبتنی بر احساس ندامتی است که افراد ممکن است در نتیجه رفتار غیر اخلاقی خویش به دست آورده و درصدد جبران چنین رفتاری برآیند؛ بنابراین ضمانت اجرای اخلاقی جنبه درونی داشته و بسته به روحیات افراد متفاوت می باشد.
- ۵- رعایت قواعد اخلاقی مستلزم داشتن آگاهی و اطلاعات لازم نسبت به وقوع عمل غیر اخلاقی نمی باشد، زیرا به طور معمول اعمالی که خلاف اخلاق و عرف می باشند، کلیه افراد به آن آگاهی داشته و تقبیح چنین شخصی نیازمند دستیابی به اطلاعات مورد نظر نمی باشد.

^۱ Shavell

۶- ضمانت اجراهای مربوط به قواعد اخلاقی، ضمانت اجرای درونی و بدون هزینه بوده و یا هزینه کمتری را نسبت به ضمانت اجراهای حقوقی نسبت به متخلف تحمیل می کند.

۷- از آنجایی که ضمانت اجراهای اخلاقی امری درونی بوده لذا نمی توان کلیه افراد یک جامعه را متأثر از آن دانست زیرا بسیاری از افراد نسبت به رفتارهای ضد اخلاقی، احساس مسئولیتی ننموده و لذا ضمانت اجرای اخلاقی در بسیاری موارد نسبت به پیشگیری از رفتارهای غیر اخلاقی ممانعتی ایجاد نخواهد کرد.

ویژگی های حقوق

قواعد حقوقی دارای ویژگیهای زیر می باشد:

۱- ایجاد قواعد حقوقی به طور معمول، فرایند پیچیده و هزینه برداری محسوب نمی شود، بدین معنا که قانون بایستی توسط قوه مقننه ایجاد شده و توسط قضات به مرحله اجرا در آید (شاول، ۲۰۰۲)

۲- از سویی دیگر، قواعد حقوقی دارای ویژگی های خاص و قابلیت انعطاف پذیری می باشند. قواعد حقوقی از آن جهت که آگاهانه و عمدانه بر مبنای رفتار اجتماعی مطلوب و نهی رفتار نامطلوب اجتماعی ایجاد می شوند، واجد ویژگی منحصر به فردی بوده و از سویی دیگر از آن جهت که پیوسته بر مبنای مقتضیات جامعه تغییر می نمایند، قابلیت انعطاف پذیری خواهند داشت.

۳- قواعد حقوقی به واسطه ضمانت اجراهایی هم چون؛ حبس و جزای نقدی قابل اعمال بوده که چنین ضمانت اجراهایی الزام آور بوده و شامل آن دسته از افرادی می گردد که مرتکب تخلف از مقررات موجود گردند.

۴- قطعی بودن ضمانت اجراهای حقوقی از دیگر خصایصی است که بنا به اوضاع و احوال موجود و گزارش اعمال خشونت بار، قابلیت اعمال داشته و نسبت به افراد به طور قطع و یقین اعمال خواهد شد.

۶- رعایت قواعد حقوقی مستلزم داشتن آگاهی و اطلاعات لازم از شرایط مورد نظر می باشد؛ به عنوان مثال چنان چه شخصی مرتکب جرمی شود، اعمال مجازات نیازمند دستیابی به اطلاعات کافی در خصوص وقوع یا عدم وقوع جرم حادث شده و انتساب آن به فرد مورد نظر می باشد. در مثال دیگر، ارتکاب قتل عمد مستلزم آگاهی به آن است که آیا شخص در مقام دفاع مرتکب چنین جرمی شده است یا خیر؟

۶- اعمال ضمانت اجراهای حقوقی نسبت به متخلفین، مستلزم صرف هزینه و استفاده از نیروهای اجرایی مورد نظر جهت اعمال ضمانت اجرا می باشد، هم چنین نوع مجازات ها هم چون جزای نقدی به طور مستقیم می تواند برای مجرم پرهزینه بوده ضمن این که مجازات هایی چون حبس، از آنجایی که موجب محدودیت آزادی مجرم گردیده، به طور غیر مستقیم خسارت مالی و غیر مالی بر او وارد می آورد.

۷- از آنجا که ضمانت اجراهای حقوقی امری بیرونی بوده لذا کلیه افراد یک جامعه متأثر از آن می باشند، بنابراین لزوم اعمال چنین ضمانت اجراهایی موجب می گردد کلیه افراد نتوانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و مرتکب اعمال رفتار خلاف قانون شوند.

مطالب فوق بیان گر خصوصیات قواعد اخلاقی و حقوقی بوده تا بدین وسیله پس از شناخت ویژگی ها، بتوان ضمن بررسی تأثیر هر یک از قواعد مزبور در کنترل رفتار ضد اجتماعی، بدین نتیجه دست یافت که آیا توسل صرف به هر یک از قواعد اخلاقی یا حقوقی می تواند اثرات مثبت بیشتری بر کنترل رفتار داشته و یا این که به کار گیری توأمان هر یک دست یابی به هدف را تسهیل می سازد. در ذیل به نقش هر یک از قواعد مزبور در کنترل رفتار پرداخته و نظریات مختلف را در این رابطه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

نقش به کارگیری توأمان اخلاق و حقوق در کنترل رفتار

بنا به نظر برخی از جامعه‌شناسان، استفاده از اخلاق به تنهایی و بدون در نظر گرفتن قواعد حقوقی، تحت شرایطی می‌تواند مفید واقع شود، در این رابطه میزان مطلوبیت بکارگیری قواعد اخلاقی صرف بسیار بیشتر از اعمال قواعد حقوقی صرف می‌باشد. جهت تحقق این امر، شرط اولیه آن است که اخلاق به خودی خود بتواند عملکرد معقول و مناسبی را به همراه داشته باشد. از جمله دلایلی که موافقین این نظریه ابراز می‌دارند آن است که از آن جهت تکمیل قواعد اخلاق با حقوق ارزشمند نمی‌باشد که به کارگیری این دو در کنار یکدیگر مستلزم صرف هزینه‌های زیادی است. در استدلال این نظریه چنین عنوان می‌شود که از آن جا که رفتار نامطلوب اجتماعی فاقد شدت می‌باشد، در نتیجه صدمه ناشی از آن نیز نمی‌تواند جدی باشد. از سویی دیگر، از آنجا که ضمانت اجرای اخلاقی به سنگینی ضمانت اجرای حقوق نبوده لذا وجود چنین ضمانت‌اجراهایی در پیشگیری از رفتار اجتماعی کافی به نظر می‌رسد و لذا نیازی به اعمال ضمانت‌اجراهای حقوقی نمی‌رود (پاریسی، ۲۰۰۵).

به نظر این دسته از متفکرین، حقوق از ارزش اجتماعی پایین‌تری نسبت به اخلاق برخوردار بوده، ضمن این که هدف از اخلاق تضمین وجدان فردی است در حالی که حقوق نمی‌تواند چنین وجدانی را به افراد تحمیل نماید، بنابراین استفاده صرف از اخلاقیات برتر از توسل صرف به قواعد حقوقی است.

گرچه مطالب بیان شده فوق تا حدودی مقرون به صحت می‌باشد، لیکن نقشی که حقوق به واقع در کنار اخلاق می‌تواند در کنترل ضد ارزشها داشته باشد، نادیده گرفته شده است و از این رو پذیرش نقش مطلق اخلاق در کنترل رفتارهای ضد اجتماعی ما را از واقعیت و نقش سازنده‌ای که قواعد حقوقی می‌تواند در خصوص موضوع مطروحه داشته باشد، دور می‌کند. حقوق شکل ویژه‌ای از کنترل رفتار اجتماعی است که اختصاص به دنیای مدرن و جوامع سازمان یافته داشته و جهت حمایت از زندگی اجتماعی به کار می‌رود. بدون قانون جامعه تبدیل به جنگلی شده که عدالت در آن جایگاهی ندارد.

بنا به نظریه اثبات‌گرایی، حقوق قدرت خویش را از انسان‌ها به ودیعه گرفته است، بدین معنا که این افراد هستند که قادر خواهند بود به میزان درستی و نادرستی قواعد حقوقی دست پیدا کنند. این نظریه که ریشه در زمان‌های بسیار دور دارد، مبتنی بر قدرت عقلی انسان هاست، همان‌طور که رمانس سیسرو معتقد است "قواعد حقوقی نشأت گرفته از ماهیت درونی افراد می‌باشند".

علیرغم نظر عده‌ای از محققین در تفسیر نظریه اثبات‌گرایان که معتقدند نظریه فوق درصدد تفکیک اخلاق و حقوق نبوده و تنها ناظر بر تعیین ماهیت حقوق می‌باشد، عده‌ای دیگر در تفسیر این نظریه قایل بر تفکیک مطلق اخلاق و حقوق و عدم ارتباط بین آن دو می‌باشند (هارت^۱، ۱۹۸۳؛ گرین^۲، ۲۰۰۸). آن چه در تحلیل و تفسیر نظریه اثبات‌گرایی مقرون به صحت می‌باشد، پذیرش تفسیر اول می‌باشد، زیرا آنچه به ظاهر از مفهوم نظریه اثبات‌گرایی برداشت می‌شود، آن است که طرفداران این نظریه صرفاً در صدد تعیین ماهیت قواعد حقوقی بوده و ضمن این که موضوعات مطرح شده توسط نظریه پردازان هیچ‌گونه صراحتی در خصوص تفکیک اخلاق و حقوق ندارد.

گرچه اخلاق و حقوق با یکدیگر مترادف نبوده و دارای مفاهیم مختلفی می‌باشند، لیکن آن چنان ارتباط نزدیکی آن دو را به یکدیگر پیوند داده که دستیابی به تمدن بشری بدون به کارگیری توأم این دو ممکن نمی‌باشد. این امر موجب برقراری اتحاد بین عدالت و اخلاق در روابط بشری گردیده که در کنترل رفتار یک جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کند (یپس^۳، ۱۹۹۶). استقلال حقوق و متأثر بودن آن دو از یکدیگر باعث شده است از یک سو قواعد حقوقی، اعتقادات اخلاقی و همین‌طور متعاقب آن ضمانت‌اجراهای اخلاقی را تحت تأثیر قرار دهد (مک‌آدامس و همکاران^۴، ۱۹۸۳؛ سانستین^۵، ۱۹۹۶). به عنوان مثال؛ وضع قانون علیه تبعیض نژادی می‌تواند در تغییر عقاید اخلاقی و تمایل افراد در بیان انزجار بیشتر از این پدیده نقش مهمی ایفا

¹ Hart² Green³ Yepes⁴ MC. Adams et al.⁵ Sunstein

نموده و بدین ترتیب حقوق می تواند ابزاری جهت کنترل رفتارهای ضد اخلاقی باشد، بدین معنا که حقوق نه تنها از طریق اعمال ضمانت اجراهای قانونی اثر مستقیمی بر رفتار داشته، بلکه عاملی مهم جهت تغییر اعتقادات اخلاقی و تقویت ضمانت اجراهای اخلاقی به حساب می آید. از سویی دیگر، وجود اعتقادات اخلاقی می تواند در طراحی شیوه سبک و سیاق ایجاد قوانین و قواعد حقوقی مؤثر واقع شوند؛ زیرا قواعد حقوقی به طور معمول بر اساس سلیقه و رضایت و درجه رفاه و آسایش افراد ایجاد می شوند. به عنوان مثال، ضمانت اجراهای حقوقی به روشی طراحی می شوند که در صورت زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی، خطاکاران استحقاق مجازات را به نسبت شدت افعال وارده داشته باشند. بدیهی است، فقدان حس درونی مرتبط با آن چه که به نظم اخلاقی مربوط است موجب می گردد افراد، وجدان عمومی و متعاقب آن قوانین را زیرپا گذارند، لذا تضمین اخلاقیات با استفاده از ابزار حقوق می تواند تضمینی در دستیابی به بسیاری از مفاهیم اخلاقی باشد و از آن جا که مفهوم مدرن جهانی در خصوص حقوق توسط دولت ها ایجاد گردیده است، از این رو کاربرد اخلاق نیز از طریق سیستم های پیش بینی شده ای چون دادگاه ها، توسط دولت ها قابل اجرا خواهد بود.

نتیجه گیری

در پایان مطالب و در پاسخ به نظر آن دسته از متفکرین که معتقد به استفاده صرف از اخلاق می باشند بایستی در توسل به ابزار اخلاق جهت کنترل رفتار، بین میزان و درجه نوع رفتار قابل به تفاوت بود. در خصوص برخی از رفتارهای ضد اخلاقی که از شدت زیادی برخوردار نبوده، هم چون ایجاد مزاحمت های جزئی و فقدان مساعدت به افراد در مواقع نیازمندی، ابزار اخلاق می تواند در کنترل رفتار مؤثر بوده، زیرا نمی توان در خصوص هرگونه رفتار ناپسند عرفی متوسل به ضمانت اجراهای سنگین حقوقی گردید، چرا که این امر مستلزم صرف هزینه های زیادی بوده و در عمل فاقد فایده است. در سایر موارد، تفکیک اخلاق از حقوق امری معقول به نظر نمی رسد، بر این اساس می توان گفت اخلاق ایده آل هایی را برای حقوق در نظر گرفته است که حقوق بایستی آنها را در مسیر صحیحی به کار گیرد. به عنوان مثال تبعیض نژادی امری غیراخلاقی محسوب شده که هدف از ممانعت آن، عدم تکرار رفتار غیراخلاقی است که ما آن را در قالب اصطلاحات اخلاقی هم چون "تکلیف" و "انصاف" به کار برده و در صدد اعمال ضمانت اجراهای حقوقی جهت پیشگیری از تکرار آن برمیآییم.

مراجع

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، "اخلاق و حقوق"، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲، ص ۸۵.
۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، "آشنایی با علوم اسلامی، حکمت عملی، انتشارات صدرا، چاپ اول، ص ۲۲.
3. Green L, (2008), "Positivism and the Inseparability of Law and Morals", 83 N.Y.U.L. Rev, p.1035
4. Hart H.L.A., (1983), "Positivism and the Separation of Law and Morals," in his Essays In Jurisprudence and Philosophy (Oxford: Clarendon Press), First published 71 Harvard Law Review, p. 593, 1957
5. Parisi F., (2005), "Kershaw C.; The Origins of Law and Economics: Essays by the Founding Fathers", Edward Elgar Publishing, p. 408
6. Shavell S., (2002), "Law versus Morality as Regulators of Conduct", American Law and Economics Review, Vol 4, No. 2, pp. 233, 234
7. Sunstein, Cass R., (1996), "Social Norms and Social Roles," 96 Columboia Law Review, pp. 66-201
8. McAdams, Richard A., (1997), "Development, and Regulation of Norms," 96 Michigan Law Review, pp. 338-433
9. Yepes R., (1996), Fundamentos de Antropología, Pamplona, p. 312

The Impact of Law and Ethics on Human Behavior

Rosa Memari

Assistant professor and faculty member of Payame Noor University of Bandar Abbas

Abstract

Obviously human behavior is directly affected by law and ethics. Law affects ethics through legal sanctions (in case of violation of legal rules) on the one hand; and ethics has an interaction with law on the other hand, in the sense that indecent behavior deserves to be denounced and reproached, while good behavior deserves praise and applause. This paper aims to investigate the impact of law and ethics on human behavior. To achieve this, the researchers will focus on the various human values deriving from the linkage of ethics and law. The association between law and ethics is explained in this research as a tool for behavior control and the important role of the combined use of these two tools and their effectiveness in behavior control has been stressed. The library method has been used in this study for data collection and the required data have been gathered through note-taking from the existing resources including the books and articles included in valid websites and journals, as well as through the use of electronic databases.

Keywords: social behavior, ethics, legal sanction, rights
